

## به یاد همه عزیزانی که در یک سال گذشته جان خود را در راه رهایی ایران از سلطه رژیم جمهوری اسلامی مدافع سرمایه داران، فدا کردند.

در آستانه سالگرد جنبش بزرگ انقلابی ۱۴۰۱ قرار داریم. این جنبش بزرگ نه فقط در ادامه جنبش‌های انقلابی سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ پدیدار شد بلکه بیانگر تداوم مبارزات کوچک و بزرگ توده‌های تحت ستم ایران در طول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی با همه تجارب و دست‌آوردهای آن مبارزات نیز بود. اگر خوب توجه کنیم و با اندکی تعمق خواهیم دید که این مبارزات و این جنبش‌های ناگهانی و خودپه‌خودی، هر بار گسترده‌تر، پر مضمون تر گشته و با شعارهای رادیکال‌تر که بازگوکننده خواست‌های انقلابی و حق طلبانه ستم‌دیدگان جامعه است، خود را آشکار می‌سازند.

مطمئناً، جنبش انقلابی ۱۴۰۱ نیز به نوبه خود همچون جنبش‌ها و مبارزات پیشین توده‌های تحت ظلم و ستم ما، با دست‌آوردها و تجارب انقلابی‌ای که به جا گذاشته است، راه رهایی و دست‌یابی ستم‌دیدگان به جامعه‌ای نوأم با رفاه و آزادی را هموار کرده است.

در جریان این جنبش، جدا از رژیم جمهوری اسلامی به عنوان دشمن آشکار و شناخته شده، نیروهای ضد انقلابی دیگر از طالبان سلطنت گرفته تا مهره‌ای به نام حامد اسماعیلیون که در بحبوحه جنبش، ناگهان از طرف جریانات امپریالیستی علم شد، تا افراد سود جوی دیگر که بعضی از آنها را قدرت‌های امپریالیستی با سودجویی از رزم‌های دلاورانه زنان سلحشور ایران، نماینده این زنان تحت ستم جا زدند، همگی به میدان آمده و هریک ضمن توسل به تزویر و ریا نقش خود را در مقابله با توده‌های انقلابی ایران و جهت انحراف مسیر جنبش آنان ایفاء نمودند. در این میان نقش خود مقامات دستگاه‌های دولتی امپریالیستها از همه برجسته تر بود که فریبکارانه و با توسل به تبلیغاتی با محتوای غیر انقلابی و از جمله ترویج شعار "زن، زندگی، آزادی"، خود را شدیداً مدافع مردم مبارز ایران و به خصوص زنان ستم‌دیده و شجاع ما نشان می‌دادند. البته اینان خیلی زود همین که جنبش اندکی فروکش نمود، با پشتیبانی عملی و علنی از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حتی به عقب‌مانده ترین افراد نیز ثابت نمودند که در مقابل مردم ستم‌دیده ایران قرار داشته و کماکان حامی این رژیم خونخوار و تأمین کننده منافع امپریالیستها در ایران و منطقه خاورمیانه می‌باشند. این امر که به شناخته شدن چهره واقعی امپریالیستها در نزد مردم کمک فراوانی نمود، به واقع در پرتو جنبش انقلابی اخیر حاصل شد و به حق یکی از مهمترین دست‌آوردهای این جنبش به حساب می‌آید و هرگز نباید فراموش شود که امپریالیستها دشمن اصلی مردم ایران هستند.

در هر جنبش توده‌ای این خاصیت وجود دارد که شرکت کنندگان در آن بدون هویت طبقاتی و یک شکل به نظر می‌رسند. در حالی که در واقعیت امر اقشار و طبقات با خواست‌های معین خود در آن جنبش‌ها شرکت نموده و با اعمال خویش و همچنین ابراز نظرات خود از جمله در شعارها، ماهیت طبقاتی آن جنبش را آشکار می‌سازند. جنبش ۱۴۰۱ نیز از این امر مستثنی نبود. در این جنبش، قشر بزرگی از زحمتکشان و کارگران به خصوص در اردوی ذخیره کار از زن و مرد (متعلق به طبقه کارگر) از یک طرف با اعمال شجاعانه و انقلابی خود علیه رژیم جمهوری اسلامی\_ از درگیری مستقیم با نیروهای مسلح رژیم گرفته تا حمله به مراکز استثمار و سرکوب\_ و از طرف دیگر با سر دادن شعارهایی نظیر "فقر،

فساد، گرونی، می ریم تا سرنگونی"، "از کردستان تا تبریز فقر و فساد و تبعیض"، "بیگاری، بیکاری، حجاب زن اجباری"، "نه نون داریم نه خونه، حجاب شده بهونه"، "نان کار آزادی"، "سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم"، "فقر و فساد و بیداد، ننگ بر این استبداد"، "این دیگه اعتراض نیست، این خود انقلابه" و با فریاد شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی نمیخوایم نمیخوایم" "مرگ بر خامنه‌ای" و شعارهایی چون "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" حضور پررنگ خود را در این جنبش آشکار ساختند. این توده تحت استثمار و متحمل ظلم و ستم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی و اجتماعی گوناگون، با دست زدن به اعمال انقلابی و با شعارهای گویای خود نشان دادند که برای تغییر بنیادی وضع موجود در جامعه پا به میدان مبارزه گذاشته اند. نشان دادند که برای رهائی از سیستمی که زندگی آنها را با فقر و فلاکت و گرسنگی و بی‌خانمانی و مصیبت‌های بی‌شمار مواجه ساخته است به رویارویی با نیروهای مسلح و بسیار وحشی رژیم حاکم پرداخته و برای این منظور از ریخته شدن خون خود به دست آن نیروها و مواجهه با شکنجه‌های وحشیانه وزارت اطلاعات ددمنش رژیم نیز ابائی ندارند. بیان این واقعیت در ارتباط با عزم انقلابی توده‌ها در مبارزات اخیرشان به زبان علمی و مارکسیستی این است که این توده‌ها با خیزش انقلابی خود خواهان تغییر مناسبات اقتصادی- اجتماعی موجود یعنی نابودی سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه می‌باشند و به عبارت دیگر برای به ثمر رساندن یک انقلاب اجتماعی دست به چنان تلاش‌های خونین مبارزاتی زده‌اند.

اما، علیرغم این واقعیت آشکار که ثابت می‌کند که توده‌های رنج‌دیده ما نه برای ایجاد اصلاحات در وضع موجود، نه برای "اعتراض" به این یا آن قانون جمهوری اسلامی بلکه به گفته خودشان برای "انقلاب" در کل سیستم موجود به پا خاستند، تمام کوشش نیروهای متعلق به جبهه ضد انقلاب از همان آغاز آن بود که جنبش انقلابی ۱۴۰۱ را "انقلاب زنانه" بخوانند و مقابله خونین مردم انقلابی ایران با نیروهای مدافع سیستم ظالمانه سرمایه‌داری حاکم را صرفاً برای تغییر در ظواهر امور و سبک زندگی اجباری کنونی (از جمله لغو حجاب اجباری، پوشش اختیاری و غیره که مسلماً آنها نیز جزو خواسته‌های مردم انقلابی هستند)، جا بزنند. برای این منظور آنها شعارهای ازدل‌برخاسته توده‌ها برای انقلاب و تغییر بنیادی ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران را پس زده و شعار مورد پسند خود "زن، زندگی، آزادی" را نشان حرکت مردم جلوه داده و با تبلیغات گزاف حتی در سطح دنیا، به رواج آن پرداختند.

در این میان باید به نقش افراد و نیروهای سیاسی بینابینی دنباله رو جبهه ضد انقلاب نیز اشاره کرد. اینان که در واقع خواسته‌ها و آرزوهای اقشار مرفه و نسبتاً مرفه جامعه در ایران را نمایندگی می‌کنند، همانند آن اقشار، مخالف رژیم جمهوری اسلامی و دیکتاتوری حاکم می‌باشند. ولی در شرایط فقدان یک تشکل انقلابی پر قدرت مدافع کارگران و زحمتکشان در ایران، و در شرایطی که نمی‌توانند درک کنند که دموکراسی و آزادی مطلوب خود آنها نیز در گرو رهائی کارگران و زحمتکشان دچار فقر و فلاکت و گرسنگی ایران می‌باشد، برای سرنگونی جمهوری اسلامی چشم امید به قدرت‌های خارجی دوخته و به دنباله روی از آنان می‌پردازند. بیهوده نیست که اینان نیز در طیف وسیعی مروج شعار "زن، زندگی، آزادی" مورد پسند بورژوازی و بی‌ضرر برای آنها هستند.

این افراد و نیروهای سیاسی بینابین، البته ناآگاه نیستند که مردم تحت ستم ایران با خروارها درد و رنجی که بر دوش خود حمل می کنند برای "نان، کار، مسکن، آزادی" سینه‌های خود را آماج گلوله‌های دشمن قرار دادند؛ و یا مثلاً می دانند که بسیاری از همین مردم و به خصوص در میان جوانان زن و مرد برای تحقق شعار گویای "سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم"، چشمانشان را با تعرض مأموران جمهوری اسلامی از دست داده اند و... و... اما به دلیل عدم اعتقاد به قدرت توده‌ها و باور به این که پیروزی نهائی از آن توده‌ها خواهد بود، حرکت خود را در همان چهارچوبی تنظیم می‌کنند که ارتجاع و به طور مشخص قدرت‌های امپریالیستی تعیین کرده‌اند؛ و به دلیل کوتاه فکری و ماهیت سازشکارانه خویش، حاضر به خارج شدن از آن چهارچوب هم نمی‌باشند. بسیاری از اینان به خصوص در خارج از کشور خود را مارکسیست و چپ نیز می‌خوانند. اما در عمل با شرکت فعال در کمپین‌های جریان‌ات وابسته به امپریالیستها نظیر حامد اسماعیلیون، همراهی با جریان‌ات ارتجاعی مدافع "رژیم پنج" و به خط شدن در جلوی پارلمان‌های دولت‌های غرب برای طرح تقاضاهای خود از آن "امامزاده"ها و اعمال سازشکارانه دیگر خواسته یا ناخواسته به تقویت جبهه ضد انقلاب مشغولند. از این رو، در حقیقت، عبارت "چپ رفرمیست" شایسته آنهاست.

برخی در میان طیف یادشده، در شرایطی که توده‌های محروم ایران در تجربه زندگی خود به لزوم مسلح شدن و مبارزه مسلحانه با رژیم حاکم پی برده و می دانند که بدون توسل به قهرانقلابی در مقابل قهر ضدانقلابی طبقه حاکم امکان رهایی از شرایط جهنمی موجود را ندارند، و با این که می‌دانند که این توده‌ها چه در جنبش اخیر و چه در جنبش‌های پیشین با سردادن شعارهائی چون "وای به روزی که مسلح شویم"، "ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم"، "ما اهل جنگیم، حیف که بی تفنگیم" و غیره آگاهی خود به لزوم جنگ مسلحانه با دشمنانشان را بیان کرده و در پراتیک اجتماعی هم به آن عمل می کنند، به تبلیغ مبارزه مدنی و پرهیز از خشونت می‌پردازند و سعی دارند توده‌ها را از مقابله قهرآمیز با رژیم‌های زبانی جز گلوله و دار و شکنجه و خشونت ضد انقلابی نمی‌شناسد، باز دارند. ناگفته پیداست که تلاش اینان نیز در موضع مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی و ظاهراً دفاع از توده‌ها و به خصوص با ادعای دفاع از کارگران و محرومان جامعه، در خدمت حفظ وضع موجود به نفع استثمارگران یعنی سرمایه داران داخلی و خارجی قرار دارد.

اغلب این افراد و نیروهای سیاسی، گوئی که انتظار داشتند که یک قیام خودبخودی توده‌ها بدون برخورداری از یک رهبری انقلابی الزاماً به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیانجامد، با فروکش جنبش به اشاعه یأس و ناامیدی می‌پردازند و در حالی که از شکست جنبش دم می‌زنند، آن را به گردن طبقه کارگر می‌اندازند. اینان که خود به حق از دیکتاتوری حاکم داد و هوار می‌کشند، بدون توجه به متشکل نبودن کارگران تحت دیکتاتوری جمهوری اسلامی، از طبقه کارگر گله مند هستند و یا این طبقه را سرزنش می‌کنند که چرا با صف مستقل خود در این جنبش شرکت نکرد! و در این رابطه گاه حتی حضور وسیع کارگران منفرد در جنبش را هم نفی و نادیده می‌گیرند.

بر مبنای واقعیت‌های فوق، واضح است که در حال حاضر طبقه کارگر و قشرهای زحمتکش ایران و نمایندگان سیاسی صدیق آنها مجبورند نه تنها به مقابله با دشمنان رودرروی خود و تبلیغات زهرآگین

آنها برخیزند بلکه علیه افراد و نیروهای سیاسی بینابینی که خواسته یا ناخواسته به تقویت جبهه ضد انقلاب مشغولند نیز البته با روشی مناسب مبارزه کنند. روش مناسب و مؤثر مبارزه با اینان همانا افشای اعمال سازشکارانه آنها و توضیح آگاه‌گرانه نظرات و تبلیغات انحرافی‌شان می‌باشد.

به این نکته هم تأکید شود که درست است که جنبش‌های خودبه‌خودی توده‌ها در فقدان یک رهبری انقلابی قادر نیستند به پیروزی نهائی دست یابند، ولی تجربه نه فقط در ایران بلکه در سطح جهان و از دیر باز ثابت کرده است که بدون چنین جنبش‌هائی کسب پیروزی واقعی ممکن نیست. چرا که کل مبارزات توده‌ها با آگاهی و تجاربی که به جا می‌گذارند، راه را برای رسیدن به پیروزی و موفقیت نهائی صیقل داده و هموار می‌کنند. در جنبش انقلابی ۱۴۰۱ نیز به روشنی می‌توان تبلور آگاهی و تجربه های مبارزات پیشین را مشاهده کرد.

درست در بحبوحه جنبش انقلابی اخیر بود که هسته‌هائی از جوانان انقلابی با دست زدن به اقدامات قهرآمیزی چون پرتاب کوکتل مولوتف به مواضع دشمن، آتش زدن بنرهای حکومتی و حتی اقدام به مجازات نیروهای سرکوبگر، شکل‌گیری خود را آشکار ساختند که تا به امروز هم ادامه داشته است. باید در نظر داشت که شکل‌گیری چنین هسته‌های سیاسی- نظامی که یکی از ارزشمندترین دستاوردهای این جنبش می‌باشد بدون مبارزات و جنبش‌های پیشین و تجارب ناشی از آنان ممکن نبود.

وجود هسته‌ها سیاسی- نظامی کنونی و پایداری آنها در مقابل دشمن، حاوی پیامی امیدبخش در ارتباط با رفع یکی از بزرگترین ضعف‌های جنبش در حال حاضر می‌باشد؛ چرا که این امید وجود دارد که از دل این هسته‌ها یک تشکیلات انقلابی مورد نیاز جنبش به وجود آید. این پیام را با این امید و آرزوی پیروزی نهائی برای طبقه کارگر مبارز و دیگر ستمدیدگان ایران جهت غلبه بر دشمنان خود، به پایان می‌برم. باشد که بار دیگر تشکیلاتی نظیر تشکیلات چریک‌های فدائی خلق با خط مشی مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک حضور افتخار آفرین خود را در جنبش اعلام کند تا با تجربه‌گیری از همه اشتباهات و ناکامی‌های گذشته، بتواند مبارزات توده‌های رنج‌دیده ایران و در رأس آنها طبقه کارگر را در مسیری ظفرنمون به سرانجام انقلابی خود رهنمون گرداند.

**پیروزی از آن توده‌های ستم‌دیده است!**

**نابود باد رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی!**

**امپریالیست‌ها دشمنان اصلی مردم ایران هستند!**

**اشرف دهقانی**

**۲۲ شهریور ۱۴۰۲ برابر با ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳**